

نقش اتاق‌های فکر ایالات متحده و انگلستان در ترویج راهبرد اسلام‌هراسی (رویکرد تحلیل گفتمان)^۱

نویسندگان: هادی آجیلی^۲ و روح‌الله قاسمی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۲۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۳/۵

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۳۹۴

چکیده

ستیز با ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام و هجمه و توهین به مسلمانان، از دیرباز در سیر فکری و عملی گفتمان غرب نهادینه شده است. وقوع حملات ۱۱ سپتامبر و دیگر عملیات تروریستی در کشورهای اروپایی و ظهور گروه‌های افراط‌گرای اسلامی نیز به روند اسلام‌هراسی در هزاره نو، شکل و ماهیتی جدید بخشید. در این چارچوب، به دلیل آنکه کمتر کسی به نقش اتاق‌های فکر کشورهای غربی پرداخته بود، محور اصلی پژوهش به شناخت چگونگی کارکرد این کنشگر در تشدید راهبرد اسلام‌هراسی متمرکز شد. سؤال تحقیق نیز عبارت است از: محورهای راهبرد اسلام‌هراسی در اتاق‌های فکر کشورهای آمریکا و انگلیس کدامند؟ در این راستا، ابتدا مفهوم و پیشینه راهبرد اسلام‌هراسی در غرب تشریح و سپس نقش پنج اتاق فکر آمریکا و سه اتاق فکر انگلیس در تکوین این راهبرد مبتنی بر کتب و مقاله‌های منتشره و موضع‌گیری مدیران و فعالان این اتاق‌ها و با استفاده از روش تحلیل گفتمانی «ارنستو لاکلاو» و «شنتال موفه» تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، مهم‌ترین محورهای راهبرد اسلام‌هراسی در اتاق‌های فکر را می‌توان در ضدیت و تحریف چهره اسلام و حضرت محمد (ص)، معرفی اسلام به عنوان دینی خشن و مخالف صلح، تسری اقدامات گروه‌های افراطی مذهبی به دین اسلام و مسلمانان، جانبداری مطلق از اسرائیل و دشمنی با فلسطین و گروه‌های مقاومت، بزرگنمایی پرونده هسته‌ای ایران و بسط ایران‌هراسی و ارتباط با قانونگذاران و سیاستمداران کشورهای آمریکا و انگلیس ذکر کرد.

واژگان کلیدی:

اسلام‌هراسی، اتاق‌های فکر، مسلمانان، غرب

۱. این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی است که برای صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور انجام شده است.

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران Email:hadijahili@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، اصفهان Email:rohollaghasemi@gmail.com



۱- مقدمه

یکی از روندهای کنونی نظام بین‌الملل، رویارویی اسلام و غرب و دامن‌زدن به این جریان در محافل دانشگاهی و حوزه‌های رسمی و غیر رسمی غرب است. گرچه راهبرد یاد شده قدمتی دیرینه در تاریخ دارد، اما در سده معاصر و به‌ویژه در دو دهه اخیر، سیری صعودی به خود گرفته است. تحولات مختلف در جوامع اسلامی، مانند انقلاب اسلامی ایران، تقویت گروه‌های مقاومت، رشد جریان افراطی سلفی از یک سو و حملات ۱۱ سپتامبر و گسترش گرایش‌های راست افراطی و راست مسیحی در جغرافیای غرب از طرف دیگر به بسط تقابل غرب و اسلام کمک کرده است؛ با این حال، عمده تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، به موضوعاتی مانند تأثیر ۱۱ سپتامبر بر راهبرد اسلام‌هراسی، نقش رسانه‌ها، تغییر گرایش افکار عمومی غرب به مسلمانان، سیاست خارجی کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا در قبال کشورهای اسلامی و وضعیت مسلمانان مقیم کشورهای اروپا و آمریکای شمالی را بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های چندانی در زمینه کارکرد اتاق‌های فکر انجام نشده است.

از این رو، نیاز به واکاوی نقش اتاق‌های فکر کشورهای آمریکا و انگلیس در تکوین راهبرد اسلام‌هراسی و ادبیات این حوزه لازم و ضروری است؛ زیرا این اتاق‌ها به لحاظ بهره‌گیری از رسانه‌ها، تحریک افکار عمومی و ارتباط با احزاب راست افراطی در اروپا و راست مسیحی در آمریکا، گروه‌های اجتماعی، سیاستمداران، کارشناسان و تحلیلگران و سازمان‌های پوپولیستی، نقطه ثقل اسلام‌هراسی در غرب هستند و موجب سرعت بخشیدن به این راهبرد شدند. در واقع، هدف نوشتار آن است که بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا مشخص کند، محورهای اسلام‌هراسی در اتاق‌های فکر کشورهای آمریکا و انگلیس کدامند؟ بر اساس کدام روش می‌توان تکوین راهبرد اسلام‌هراسی در این اتاق‌ها را تحلیل کرد؟ اتاق‌های فکر چگونه بر اقدامات دیگر کنشگران در این راهبرد تأثیر می‌گذارند؟ چه راهکارهایی می‌توان برای مقابله با اقدامات اتاق‌های فکر و جلوگیری از موج فزاینده اسلام‌هراسی در غرب ارائه کرد؟

۲- ادبیات نظری

۲-۱- بررسی چارچوب تحلیل گفتمان

تحلیل راهبرد اسلام‌هراسی از سوی اتاق‌های فکر کشورهای غربی، نیازمند الگویی است که بتواند همه ابعاد این راهبرد را توضیح دهد و تبیین کند. مادر میان گستره نظریه‌های فلسفه و زبان‌شناسی، روش تحلیل گفتمان «لاکلاو» و «موفه» را انتخاب کردیم؛ زیرا



این روش به دلیل برخورداری از مؤلفه‌هایی مانند دال مرکزی، دال‌های شناور، مفصل‌بندی، حوزه‌گفتمان‌گویی، غیریت‌سازی، برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، هژمونی و سرکوب می‌تواند به بهترین وجه، کارکرد اتاق‌های فکر کشورهای امریکا و انگلیس در راهبرد اسلام‌هراسی را تبیین کند. از سویی، تأکید نظریه‌گفتمان «لاکلاو» و «موفه» بر عناصر زبان و هویت که در منازعه اسلام و غرب از دیرباز نقشی اساسی داشته‌اند، جامعیت تحلیلی این گفتمان را در موضوع فوق برجسته‌تر می‌کند.

در علوم سیاسی، «ارنستو لاکلاو»^۱ و «موفه»^۲ با بازسازی نظریه تحلیل گفتمان در چارچوب سنت مارکسیستی، آن را برای تحلیل جامعه پیچیده معاصر به کار گرفته‌اند. به نظر آنها گفتمان مجموعه‌ای معنادار از دال‌های به هم مرتبط است که معنای خود را از مفصل‌بندی‌های گفتمانی و در تضاد با گفتمان‌های مخالف به دست می‌آورد. گفتمان‌ها که درک افراد از واقعیت، حقیقت، هویت و رفتار اجتماعی آنها را تشکیل می‌دهد، سازه‌هایی سیاسی و مبتنی بر روابط قدرتند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

تحلیل گفتمان، متشکل از شمار زیادی مفاهیم متکثر و البته درهم پیچیده است. مفاهیم واقع در این نظریه به هم مرتبطند و فهم دقیق شاکله نظریه گفتمان و نیز سایر مفاهیم پیرامونی به فهم آنها منوط است. هرچند این مفاهیم، وجوه و پیچیدگی‌هایی دارند، اما ارتباط شبکه‌ای و زنجیره‌وار با هم داشته و دارند. تعریف این مفاهیم می‌تواند بخش نظریه معنایی گفتمان را تأمین کند و به فهم بخش نظریه اجتماعی آن یاری رساند (مقدمی، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

دال مرکزی: این مفهوم را «لاکلاو» و «موفه» از «لاکان»^۳ وام گرفته‌اند. دال مرکزی، نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌گیرند. هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۵۱۷). نقطه مرکزی، نشانه برجسته و متمایزی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند. برای مثال، در گفتمان پزشکی بدن، یک نقطه مرکزی است که نشانه‌های دیگر مانند بافت علائم بیماری، جراحی و کلیه واژه‌هایی که در علوم پزشکی به کار می‌روند، حول آن گرد آمده‌اند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۷۷).

دال شناور: دال‌های شناور، نشانه‌هایی‌اند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آنها به شیوه خاص خودشان معنا ببخشند (فیلیپس و یورگنسن، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

مفصل‌بندی: بر اساس نظریه گفتمان «لاکلاو» مفصل‌بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند (فیلیپس و یورگنسن، ۱۳۸۹، ص ۵۶)؛ از این

1 - Ernesto Laclau

2 - Chantal Mouffe

3 - Lacan



رو، هویت یک گفتمان، بر اثر رابطه‌ای که از طریق مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (هویت ارتباطی) شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳، ص ۴۶).

حوزه گفتمان گونگی: «لاکلاو» و «موفه» معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند، در حوزه گفتمان گونگی قرار می‌دهند؛ بنابراین، سرریز شدن معانی یک دال یا نشانه به حوزه گفتمان گونگی با هدف ایجاد یکدستی معانی در یک گفتمان انجام می‌شود (لاکلاو و موفه به نقل از مقدمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱). پس حوزه گفتمان گونگی، عبارت است از محفظه‌ای از معانی اضافه و بالقوه در بیرون از منظومه گفتمانی خاص که توسط آن طرد شده‌اند. از طرف دیگر، مواد خاصی برای مفصل‌بندی‌های جدید مهیا می‌کنند (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۵۱۸).

هویت: به عقیده «لاکلاو» و «موفه» – همان‌طور که مارکسیسم می‌گفت – هیچ چیز بنیادین وجود ندارد که به بقیه پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد. هویت هر چیز، تنها در شبکه هویت‌های دیگر که با هم مفصل‌بندی شده‌اند، پدید می‌آید؛ بنابراین، هویت‌ها در درون گفتمان دارای ماهیتی ارتباطی‌اند. این هویت‌بخشی گفتمان با سازوکار «زنجیره هم‌ارزی و تفاوت» اعمال می‌شود (مقدمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

عوامل هژمونیک‌ساز گفتمان در نظریه لاکلاو و موفه: با بررسی نظریه «لاکلاو» و «موفه» چهار عامل را می‌توان یافت که در هژمونیک شدن یک گفتمان یا زوال آن مؤثر هستند؛ این چهار عامل عبارت از:

الف و ب- اعتبار و دسترسی: «لاکلاو» و «موفه» عمدتاً با کاربرد دو مفهوم در دسترسی و اعتبار، سعی دارند این مسئله را تبیین کنند که چگونه در طول بحران‌ها، بعضی گفتمان‌ها به نسبت دیگران، با استقبال و موفقیت بیشتری روبه‌رو می‌شوند. ظاهراً آنها چنین القا می‌کنند که اگر بحران اجتماعی به اندازه کافی شدید باشد، به طوری که سراسر نظر گفتمانی را متزلزل سازد، تنها قابلیت دسترسی کافی است تا پیروزی گفتمان خاصی را تضمین کند. به عبارت دیگر، امکان پیروزی یک گفتمان، به علت ویژگی‌های ذاتی آن نیست، بلکه صرفاً به این دلیل است که گفتمان، تنها ساخت نسبتاً منسجم در دنیای کاملاً آشفته دیگران است (سعید بابی، ۱۳۷۹، ص ۷۸).

ج و د- طرد و برجسته‌سازی: یکی دیگر از عواملی که در هژمونیک شدن و زوال گفتمان‌ها اهمیت اساسی دارد و در نظریه لاکلاو و موفه به طور ضمنی و کلی اشاراتی به آن شده است، طرد و برجسته‌سازی است. آنگونه که نظریه گفتمان می‌گوید گفتمان‌های سیاسی به واسطه فرایندهای دوگانه برجسته‌سازی و طرد در اجتماع جریان می‌یابند و سعی در هژمونیک شدن یا تثبیت سلطه خود دارند. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت است. بدین طریق، قدرت هم به



تولید معنای پردازد و هم با به کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد دشمن و غیر را حذف و طرد می کند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲).

۲-۲- اسلام هراسی

۲-۲-۱- تعریف اسلام هراسی

اسلام هراسی برای اولین بار توسط «آلفونسه دینت» فرانسوی و یک روشنفکر الجزایری به «نام سلیمان بن ابراهیم» در بیوگرافی پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) به کار رفت و بر این اساس، واژه islamophobia برای توصیف اسلام هراسی در فرانسه استفاده شد. (Allen, 2010, pp 5-6). این در حالی است که «روبین ریچاردسون» تأکید می کند: واژه اسلام هراسی به زبان انگلیسی برای اولین بار توسط «داوود سعید» در مقاله ای با عنوان «مطالعه مجدد عقاید شرقی» در سال ۱۹۸۵ به کار برده شد (Richardson, 2009, p3). از سال ۲۰۰۰ کاربرد این واژه در تحلیل ها و آثار نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل، شورای اروپا و آژانس اتحادیه اروپا برای حقوق اساسی و سازمان کنفرانس اسلامی افزایش یافت. از همین زمان، استفاده از این واژه در مطبوعات بریتانیا نیز بسط یافت (Richardson, 2009, pp3-4).

عموماً تعاریف متفاوتی از اسلام هراسی ارائه شده است و هر کدام بر ابعاد و ویژگی های خاصی تأکید دارند، اما مخالفت علیه آموزه های اسلام، باور به آشتی ناپذیر بودن اسلام با ادیان دیگر، درهم آمیختگی نژاد و مذهب و نبود عقلانیت در نگاه اسلام هراسان، از مهم ترین ممیزات این تعاریف است. در همین راستا، «ظفر اقبال» ریشه های جریان اسلام هراسی را در جنگ های صلیبی جست و جو می کند و اسلام را دینی می داند که با ادیان دیگر در تقابل است.

از نظر «اقبال»، اسلام هراسی واژه ای نو برای ترسی قدیمی است. این اصطلاح، شکلی از تعصب مذهبی است که اهدافش را در جنگ های تاریخی طولانی مدت در قرون متمادی و جنگ های صلیبی می توان یافت. اسلام به عنوان یک دین، تهدید عمده ای نسبت به مذاهب دیگر ایجاد و رشد سریع آن در کوتاه مدت، مشکلی عظیم برای جهان خلق کرده است. در قرن ۱۴ هجری، اسلام به مثابه یک مکتب کفر در سطح عملی و اخلاقی تلقی شده است. حتی قبل از قرن ۱۴، کارل آرمسترانگ، گفت: «اسلام، شیطان و کاملاً بیگانه با خدا در نظر گرفته شده بود. در قرن ۱۵ نیز تفاوت ها بین اسلام و غیرمسلمانان مشهودتر شد» (Iqbal, 2010, p 575).

ساده ترین تعریف از اسلام هراسی را می توان در ترس و نگرانی نسبت به اسلام و



در نتیجه، واکنشی تعصب‌آلود و ستیزه‌جویانه در قبال باورها، آموزه‌ها، اماکن و مراکز مسلمانان و خود آنها بیان کرد. اسلام‌هراسی بر تمام جنبه‌های زندگی مسلمانان تأثیر دارد و می‌تواند به چندین شیوه ابراز شود:

هجمه، توهین و خشونت علیه مسلمانان، حمله به مساجد، مراکز اسلامی و آرامگاه‌های مسلمانان، تبعیض در آموزش، اشتغال، مسکن و ارائه کالا و خدمات به مسلمانان، فقدان قوانین و احترام به مسلمانان در نهادهای عمومی. اما در این باره اجماع کلی میان تحلیلگران وجود ندارد و هر شخصی از دریچه دانش منحصر به فرد خود، تعریفی از این واژه ارائه می‌دهد (fairuk, n.d).

۲-۲-۲- سیر تاریخی راهبرد اسلام‌هراسی

راهبرد اسلام‌هراسی، گرچه در دهه‌های اخیر بسط یافته، اما ریشه و بنیادهای آن را در تقابل شرق و غرب و غیریت‌سازی این دو تمدن نهفته است؛ به این معنا که حتی قبل از ظهور اسلام، غرب که در قالب یونان و روم باستان متبلور بود، سعی می‌کرد تا استیلای خود بر ایران باستان و دیگر جوامع شرقی را تثبیت کند و به گفته «محمد دسوقی»، یونانیان، شرقیان را بربر می‌دانستند. ریشه این تنازع، علاوه بر جنگ‌های ایران و یونان در تاریخ‌نگاری کسانی چون «کتسیاس» و «هرودت» نیز مشهود بود که هندوها، ایرانیان و دیگر اقوام شرقی را با زبان تحقیر و طعن توصیف می‌کردند و درباره مردمان یونانی با اغراق و بزرگنمایی سخن می‌گفتند.

این تقابل چنان است که برخی اندیشمندان معتقدند که در اصل ناسازگاری میان شرق و غرب، ناسازگاری میان دو سرشت، دو جهان‌بینی و دو فرهنگ و اندیشه و تفکر است که در نهایت، کمال مطلوب هر یک با دیگری در تضاد است (دسوقی، ۱۳۷۶، ص ۱۷). به گفته و تأیید شرق‌شناس و اسلام‌شناس مشهور معاصر «برنارد لویس»، «غرب، غرب است و شرق، شرق و هیهات که این دو گانه به یکدیگر برسند» (لویس، ۱۳۷۴، ص ۱).

اندیشمندانی مانند «ادوارد سعید»، «هابسون» و «برایان ترنر» نیز معتقدند که غرب با مکانیسم غیریت‌سازی، سعی در برتری‌بینی اروپا و غرب و عقب‌مانده قلمداد کردن شرق و اسلام دارد. «هابسون» «شرق‌شناسی» را معادل «اروپامحوری» می‌داند و آن را واجد یک جهان‌بینی که بر برتری ذاتی غرب بر شرق تأکید دارد، قلمداد می‌کند (هابسون، ۱۳۸۹، ص ۲۷). برایان ترنر نیز می‌گوید: «شرق، بخشی از نقشه‌های سیاسی است که به‌وسیله آن غرب، خود را به لحاظ جغرافیایی و با نگرشی منفی تعریف کرده است. شرق عمدتاً «دیگری» و منفی بوده است که حاشیه جهان متمدن را نشان می‌دهد» (ترنر، ۱۳۸۴، ص ۲۳).



این تقابل، با ظهور اسلام و گسترش آن به اطراف و اکناف و جنگ‌های صلیبی تشدید شد. این جنگ‌ها تنها معطوف به بعد نظامی، انسانی و اقتصادی نبود، بلکه بنیان‌های ستیز میان جهان غرب و اسلام را نهادینه کرد. در تصویری که غرب مسیحی از پیامبر اسلام ترسیم کرد، حضرت محمد(ص) دشمن و مخالف حضرت عیسی معرفی و صفات دروغینی همچون افسونگر به ایشان منتسب شد. شکست فاجعه‌بار اروپاییان در مقابل مسلمانان سبب شد که آنها حتی به تحریف نام حضرت محمد(ص) دست بزنند و از او به نام «مخوند (اهریمن مجسم، پیامبر دروغین)» نام ببرند.

روند ستیز غرب و اسلام در قرون بعدی نیز ادامه یافت و گفتمان اندیشمندان غربی مانند «دانته»، «مونته‌سکیو»، «هگل»، «توماس مور»، «مارتین لوتر»، «ولتر» و «دیدرو» به اسلام‌هراسی دامن زد. این متفکران غربی، با تحریف تاریخ، پیامبر اسلام را با صفات نکوهیده‌ای مانند فریبکار، چپاولگر، دجال (ضد مسیح) و ضد کتاب مقدس مسیحیان ترسیم کردند و شرق و اسلام را بدون تاریخ، اسیر خرافه و سنت و پر از امیال و حشیانه طبیعی نامیدند.

راهبرد اسلام‌هراسی که در دو سده اخیر و با ضعف و فترت جوامع اسلامی، کمتر در جهان غرب نمود و برجستگی داشت، از نیمه دوم قرن بیستم و با وقوع جنبش‌های آزادیخواهی اسلامی و مهم‌تر از همه انقلاب اسلامی ایران، تشدید شد. وقوع انقلاب اسلامی که با شگفتی و بهت جهانیان و باورها و آموزه‌های دینی ملازم بود، جهان غرب را به تکاپو و تقابل با آن واداشت؛ به همین دلیل بود که غرب، پیروزی انقلاب اسلامی را خطری عمده از جانب تمدن اسلامی برای خود پنداشت و ابعاد گسترده رسانه‌ای غرب، سعی در شکل‌دهی افکار عمومی ضد این پدیده نوین داشت.

با انتشار کتاب «آیات شیطانی» و فتوای قتل سلمان رشدی توسط امام خمینی(ره)، غرب جبهه جدیدی علیه اسلام و مسلمانان گشوده و گسل‌های جریان اسلام‌هراسی به شدت فعال شد. در این میان، نظریه برخورد تمدن‌های «ساموئل هانتینگتون» که نزاع قرن آینده را بین تمدن اسلام و غرب ترسیم کرده بود و همچنین نظریات ضد اسلامی «برنارد لویس» بنیادهای نظری اسلام‌هراسی را در گفتمانی نو نهادینه کرد. با وقوع حملات ۱۱ سپتامبر «جرج بوش»، رئیس‌جمهور پیشین امریکا، سخن از شروع دوباره جنگ‌های صلیبی به میان آورد و اسلام‌هراسی در حوزه رسمی و غیررسمی غرب به شکل گسترده بسط یافت و هر کدام از بازیگران از جمله افکار عمومی، رسانه‌ها، سیاست‌گذاران و احزاب راست افراطی و محافظه‌کار کوشیدند تا شرایط را برای مسلمانان سخت‌تر کنند. اتاق‌های فکر هم از دیگر کنشگرانی هستند که نقشی بنیادین در تشدید



جریان اسلام‌هراسی ایفا می‌کنند. در ادامه، چند نمونه از این اتاق‌ها در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا بررسی می‌شود.

۲-۲-۳- مطالعات پیشین در حوزه اسلام‌هراسی

در زمینه اسلام‌هراسی، کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است که هر کدام زوایای خاصی از این راهبرد را توضیح می‌دهد. از مهم‌ترین کتب منتشر شده به زبان فارسی، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- صمیمی، (۱۳۸۲)؛ محمد(ص) در اروپا: یکی از بهترین و دقیق‌ترین آثار است که نگاه غربی‌ها به پیامبر اسلام را از ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون توصیف می‌کند و شرح می‌دهد. نویسنده با اشاره به تحولات پیاپی در اروپا، تأثیر این تحولات بر دید غرب از محمد(ص) و اسلام را بازگو می‌کند. نکته ارزشمند این کتاب، توجه دقیق و تسلط نویسنده به مباحث مطرح شده از سوی موافقان و مخالفان محمد(ص) و آموزه‌های اسلام و ذکر هر دو دیدگاه است.

۲- دهشیری، (۱۳۹۲)؛ اسلام‌هراسی در غرب: جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان در آمریکا و انگلیس: این کتاب اساساً ترجمه و گردآوری شده از دو گزارش درباره اسلام‌هراسی در آمریکا و انگلیس است. محمدرضا دهشیری، استاد دانشگاه روابط بین‌الملل وزارت خارجه، در این کتاب دلایل و اهداف موج اسلام‌هراسی در آمریکا و انگلیس، رسانه‌های تأثیرگذار و نیروهای فکری و برخی اتاق فکرها و حامیان مالی این راهبرد را شرح می‌دهد.

دیگر ادبیات تألیف شده درباره اسلام‌هراسی به زبان فارسی عبارتند از:

جدول شماره ۱: مطالعات پیشین در حوزه اسلام‌هراسی

عنوان اثر	محققان
ابعاد اسلام‌هراسی در بریتانیا پس از ۱۱ سپتامبر:	درخشه و حسینی فائق (۱۳۹۱)
اسلام و اسلام‌ستیزی: ۱۰ سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر:	شیرغلامی (۱۳۹۰)
اسلام رسانه‌ها	سعید (۱۳۷۹)
نقش رسانه‌های غرب در شکل‌گیری اسلام‌هراسی؛ جستارهایی پیرامون اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی غربی‌ها علیه انقلاب اسلامی	حاذق نیکرو (۱۳۸۹)
زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمان‌دو در بریتانیا:	سید امامی و حسینی فائق (۱۳۹۰)



عنوان اثر	محققان
اسلامهراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل	مرشدی زاده و زاهدغفاری هشجین (۱۳۸۶)
مطالعه زمینه‌های پیدایش و استمرار اسلامهراسی در غرب با تأکید بر مسئله تروریسم	صالحی (۱۳۸۹)

اما به زبان انگلیسی هم کتب و مقاله‌های فراوانی نوشته شده است که عبارتند از: «اسلامهراسی و چالش‌های تکثرگرایی در قرن بیست و یکم» به ویراستاری «جان اسپوزیتو»^۱ و «ابراهیم کالین»^۲؛ این کتاب شامل یک مقدمه و هفت فصل است. هر فصل توسط یک نویسنده نوشته شده و دربرگیرنده عناوینی مانند اسلامهراسی و محدودیت‌های چندفرهنگی، دور باطل تنفر مسلمانان و امریکایی‌ها از همدیگر، اسلامهراسی و سیاست خارجی آمریکا و اسلامهراسی در بریتانیا است. اسلامهراسی»، «کریستوفر آلن»^۳: نویسنده در سه فصل ابتدایی، پیشینه جریان اسلامهراسی، انتشار کتاب آیات شیطانی و واکنش مسلمانان به آن، نظریه جنگ تمدن‌های «ساموئل هانتینگتون»^۴، راهبرد اسلامهراسی در بریتانیا و تفاوت این گفتمان در کشورهای اروپایی و نقش رسانه‌ها را در این راهبرد تشریح می‌کند. «شبکه اسلامهراسی در آمریکا»، «آلا بایومی»^۵: در این گزارش چند صفحه‌ای، شش شبکه اسلامهراسی که زنجیره‌وار با هم مرتبطند، بیان و تحلیل شده است: بنیادهای مالی، کارشناسان، جناح راست مذهبی، سازمان‌های پوپولیستی، رسانه‌های راست افراطی و سیاستمداران راست افراطی، شبکه‌هایی هستند که نقشی اساسی در پیشبرد اسلامهراسی در آمریکا ایفا می‌کنند. دیگر مطالب منتشره درباره اسلامهراسی در غرب شامل موارد زیر است:

جدول شماره ۲: برخی دیگر از آثار مکتوب اتاقهای فکر درباره اسلامهراسی

عنوان کتاب	نویسنده
اسلامهراسی: کمپینی ایدئولوژیک ضد مسلمانان	«استفن شهی» ^۱ و «وارد چرچیل» ^۲
مسلمانان در اتحادیه اروپا: تبعیض و اسلامهراسی	گزارش کمیسیون اروپا در ۲۰۰۶
اسلام و مطبوعات بریتانیا: بازتاب ۱۱ سپتامبر و رویدادهای پس از آن	«برایان وایتاکر» ^۳

- 1- John L. Esposito
- 2- Ibrahim Kalin
- 3- Christopher Allen
- 4- Samuel Phillips Huntington
- 5- Alla Bayumi



نویسنده	عنوان کتاب
«تاد گرین» ^۴	ترس از اسلام: درآمدی بر اسلام‌هراسی در غرب
«ناتان لین» ^۵	صنعت اسلام‌هراسی
«دیپا کومار» ^۶	اسلام‌هراسی و سیاست‌های امپراطوری
«کارل دیبلو ارنست» ^۷	اسلام‌هراسی در امریکا: آناتومی ناپردباری

1- Stephen Sheei

4- Todd H. Green

7- Carl W. Ernst

2- Ward Churchill

5- Nathan Lean

3- Brian Whitaker

6- Deepa Kumar

۲-۳- اتاق‌های فکر ایالات متحده امریکا

در راستای بررسی نقش اتاق‌های فکر کشورهای امریکا و انگلیس در ترویج اسلام‌هراسی، ابتدا چند اتاق فکر از این دو کشور معرفی و سپس مهم‌ترین شاخصه‌های این راهبرد به تفکیک تشریح می‌شود.

بنیاد آزادی دیوید هورویتز: یکی از تأثیرگذارترین اتاق‌های فکر امریکا که در حوزه اسلام‌هراسی فعالیت گسترده‌ای دارد، بنیاد آزادی دیوید هورویتز است. اهداف این بنیاد در وبسایتش چنین ذکر شده است:

«بنیاد دیوید هورویتز خود را وقف دفاع از جوامع آزادی می‌کند که بنیادهای اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی‌شان از جانب نیروهای سکولار و مذهبی در داخل {امریکا} و خارج مورد حمله قرار گرفته است» (horowitzfreedomcenter, n.d).

دیوید هورویتز، فعال سیاسی و همکار قدیمی‌اش «پیتر آنتونی دال کولیر»^۱ بنیانگذاران این مرکز هستند. بنیاد آزادی دیوید هورویتز با دریافت کمک از سوی گروه‌هایی از جمله «بنیاد الین»^۲، «برادلی»^۳ و «سارا اسکایف»^۴ تثبیت شد و دارای چندین وبلاگ و وبسایت مانند «مجله صفحه پیشرو»^۵، «محصلان برای آزادی آکادمیک»^۶ و دیدبان جهاد است.

دیدبان جهاد: دیدبان جهاد از مراکزی است که زیرمجموعه بنیاد آزادی دیوید هورویتز است و در صفحه اول این وبسایت ذکر شده است که هدف دیدبان جهاد،

1- The David Horowitz Freedom Center

2- Peter Anthony Dale Collier

3- Olin Foundation

4- Bradly Foundation

5- Sarah Scaife Foundation

6- Front Page Magazine

7- Students for Academic Freedom

8- Jihad Watch



توجه عمومی به نقش الهیات جهاد و نقش ایدئولوژیک آن در جهان مدرن و اصلاح تصورات غلط مردم از نقش جهاد و مذهب در منازعات مدرن -روز است (jihadwatch, n.d). بنیاد گیت استون^۱: این بنیاد که در سال ۲۰۰۵ پایه گذاری شد، در شهر نیویورک قرار دارد و ریاست آن بر عهده «جان رابرت بولتون»^۲ نماینده امریکا در سازمان ملل متحد در دولت جرج بوش پسر است. بنا بر آنچه در وبسایت بنیاد گیت استون آمده، این بنیاد از موارد زیر حمایت می کند:

شکل دادن به دموکراسی و حکومت قانون، حقوق بشر، اقتصاد آزاد و قوی، توانایی نظامی برای کسب امنیت در داخل و جهان آزاد، استقلال انرژی، جلوگیری از فضای عمومی که آزادی و حاکمیت و آزادی بیان ما را محدود می کند (gatestoneinstitute, n.d).

اسلامی شدن امریکارا متوقف کنید^۳: این بنیاد که به نام طرح دفاع از آزادی امریکایی نیز شناخته می شود، سازمان جناح راست افراطی امریکایی است که توسط «پاملا گلر»^۴ و «رابرت اسپنسر»^۵ در سال ۲۰۱۰ تأسیس شد. SIOA اولین کمپین انتخاباتی خود را در نیویورک سیتی و در مخالفت با ساخت مسجد در «پارک ۵۱ نیویورک»^۶ راه اندازی کرد. پاملا گلر این مرکز را حامی آزادی بیان، حقوق همه انسان ها و آزادی های مذهبی که مورد هجمه هستند، توصیف می کند (Wikipedia, Stop Islamization of America, n.d).

مؤسسه برای امریکا اقدام کنید^۷: این بنیاد در سال ۲۰۰۷ توسط «بریتجیت گابریل»^۸ و در راستای بسط اسلام هراسی تأسیس شد. در وبسایت «برای امریکا اقدام کنید» تصریح شده این سازمان برای حمایت از امنیت ملی و غلبه بر تروریسم پایه گذاری شده و ۲۸۰ هزار عضو در بیش از ۸۹۰ نقطه امریکا و ۱۱ کشور دفتر دارد (actforamerica, n.d). بنیاد رند^۹: بنیاد رند، یک اتاق فکر غیرانتفاعی است که بر سیاست های جهانی تمرکز دارد و از سوی «داگلاس ایرکرافت»^{۱۰} در راستای مشاوره و کمک های فکری به ارتش ایالات متحده امریکا در ۱۴ می ۱۹۴۸ پایه گذاری شد. در بخش مربوط به ایران،

- 1- The Gatestone Institute
- 2- John Robert Bolton
- 3- Stop Islamization of America (SIOA)
- 4- Pamela Geller
- 5- Robert Bruce Spencer

۶- ساختمانی متعلق به جامعه اسلامی در شهر منهتن و مکانی عمومی برای گفت و گوی پیروان ادیان مختلف و نمازگزاران مسلمانان است. پارک ۵۱ جایگزین ساختمان ۱۵۰ موزه هنری ایتالیایی شد که در حملات ۱۱ سپتامبر آسیب دید. این مجموعه شامل ۵۰۰ صندلی برای حضار، سالن تئاتر، استخر شنا، کتابفروشی، استودیو هنر و دیگر امکانات تفریحی است. دو بلوک از سایت مرکز سازمان تجارت جهانی فاصله دارد و احداث آن در نزدیکی ساختمان این سازمان با جنجال ها و انتقادات زیادی از سوی امریکایی ها، به ویژه افراط گرایان مواجه شد.

- 7- Act, for America
- 8- Brigitte Gabriel
- 9- RAND Corporation
- 10- Douglas Aircraft Company



تحلیلگران مؤسسه رند، در خصوص موضوعات متنوعی درباره این کشور مقاله و تحقیق می‌کنند. در سرتیتر مربوط به ایران نوشته شده است: بیش از ۳۰ سال بعد از انقلاب ایران، فعالیت‌های سیاسی، نظامی و بین‌المللی این نظام برای به چالش طلبیدن و سردرگم کردن همسایگان و بسیاری از دموکراسی‌های غربی ادامه دارد. مؤسسه تحقیقاتی رند بر سیاستمداران امریکایی در حوزه گسترده‌ای، از جنگ و آلودگی {محیط‌زیست} گرفته تا توانایی تهران برای سوءاستفاده از شرایط پان‌اسلامیسم و پیشرفت قابلیت‌های هسته‌ای‌اش نفوذ دارد (rand/iran,n,d).

۲-۴- اتاق‌های فکر انگلیس

مرکز انسجام اجتماعی^۱: این مرکز در سال ۲۰۰۷ و به عنوان کانون فعالیت اتاق فکر محافظه‌کاری در بریتانیا با نام «سیویتاس» پایه‌ریزی شد. بر اساس آنچه در وب‌سایت این مؤسسه منتشر شده، مرکز انسجام اجتماعی برای مقابله با تروریسم اسلامی، میزان زیاد مهاجرت و چندفرهنگی تأسیس شده است و در این بین، تروریسم اسلامی را عمده‌ترین تهدید برای جامعه بریتانیا خوانده است (Mills & Griffin and Miller, 2011, p15).

مرکز هنری جکسون^۲: مرکز هنری جکسون، یک اتاق فکر بریتانیایی با گرایش‌های محافظه‌کاری است که در سال ۲۰۰۵ توسط چند نفر از دانشجویان و نیروهای دانشگاه کمبریج مانند «برندان پیتیر سیمز»، «آلن مندوزا»، «گیدون مایلر»، «جیمز راجرز» و «متیو جمیسون» تأسیس شد (web.archive, 2005). این بنیاد به احترام «هنری مارتین جکسون»، سناتور پیشین امریکایی و یک چهره دموکرات ضدکمونیست در جنگ سرد، نامگذاری شده است.

مرکز تبادلات سیاسی^۳: این اتاق فکر از جانب گروهی از محافظه‌کاران بریتانیایی به رهبری «میشل پورتیلو»، در سال ۲۰۰۱ پایه‌گذاری شد. این مرکز تاکنون چند گزارش ضد اسلامی منتشر کرده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: «هنگامی که پیشگامان با ارتجاعیون همگام می‌شوند»، توسط «مارتین برایت»^۴، «مصادره اسلام بریتانیایی: ادبیات افراطیون در حال تخریب مساجد در بریتانیاست» نوشته «دنیس مس ائوین»^۵، بعد از اینکه BBC کشف کرد که بعضی از مدارک این گزارش جعلی است، از وب‌سایت تبادلات سیاسی حذف شد (دهشیری، ۱۳۹۲، صص ۲۲۳-۲۲۲).

- 1- The Centre for Social Cohesion
- 2- The Henry Jackson Society
- 3- Policy Exchange
- 4- Martin Bright
- 5- Denis MacEoin



۳- محوربندی راهبرد اسلام‌هراسی در اتاق فکر کشورهای انگلیس و امریکا

اتاق‌های فکر امریکا و انگلیس از الگوهای تقریباً مشابهی در ترویج راهبرد اسلام‌هراسی بهره می‌گیرند. با این حال، برخی از اتاق فکرها مانند «رند» و «گیت استون» بر مسائل سیاست خارجی و پیوندهای هسته‌ای ایران تمرکز بیشتری دارند و برخی از آنها از جمله دیدبان جهاد و بنیاد دیوید هورویتز عمدتاً ریشه‌های فکری اسلام و شریعت و حضرت محمد(ص) را مورد حمله قرار می‌دهند. اما مهم‌ترین محورهایی را که از سوی این اتاق فکرها به طور مشترک دنبال می‌شوند، می‌توان در چند موضوع تشریح کرد:

۱- اتاق فکر کشورهای غربی در مواضع آشکار خود بر تحلیل رویدادهای داخلی و بین‌المللی تأکید کرده، اما اهداف دیگری را دنبال می‌کنند. برای مثال «بنیاد گیت استون» حمایت از حکومت قانون، حقوق بشر، اقتصاد آزاد، استقلال انرژی و تقویت امنیت در امریکا و جهان آزاد صحبت می‌کند، اما با مشاهده گزارش‌ها و مقالات منتشره در وبسایت این بنیاد می‌توان پی برد که موضوعات مطرح شده سهم بسیار کمی در گزارش‌ها و تحلیل‌های این مرکز دارد. اغلب تحلیل‌های «بنیاد گیت استون» برخلاف اهداف ذکر شده در وبسایت آن، در خصوص اسلام‌هراسی، جانبداری از اسرائیل، انتقاد از فلسطین و ضدیت با ایران است. بنیاد آزادی دیوید هورویتز نیز هدف خود را دفاع از جوامع آزاد ذکر کرده است، اما حمایت از اشغالگری اسرائیل، نفرت پراکنی ضد مسلمانان، توهین و حمله مکرر ضد پیامبر اسلام و تسری ترس از افزایش مسلمانان در امریکا، از رویکردهای اساسی این اتاق فکر است.

۲- ترویج نفرت و خشونت نژادی از مهم‌ترین کارکردهای اتاق‌های فکر کشورهای امریکا و انگلیس در ترویج راهبرد اسلام‌هراسی است. این امر سبب شده تا این اتاق‌های فکر با احزاب راست افراطی در یک سو گام بردارند و زمینه تبعیض و جرائم نژادپرستانه ضد مسلمانان را تقویت کنند. «دیوید میلر» که با همکاری «تام میلز» و «تام گریفین» گزارش جامعی با عنوان «جنگ سرد ضد مسلمانان در بریتانیا» را تهیه کرده، اعتقاد دارد: اتاق‌های محافظه‌کار، حلقه اتصال افزایش اسلام‌هراسی هستند. آنها با بی‌اهمیت جلوه دادن میزان و وجود نژادپرستی، کانون توجهات را به مسلمانان سیاسی متمرکز کرده و آنها را به عنوان مشکل اصلی جامعه انگلستان تلقی می‌نمایند (Miller, 2011). در همین چارچوب، «بنیادی برای پیشرفت امریکا» در گزارشی با عنوان «تلفیق هراس: پیوندهای شبکه اسلام‌هراسی در ایالات متحده در سال ۲۰۱۱»، بنیاد آزادی دیوید هورویتز را ابزار مهمی در دیواسا نشان دادن اسلام و تشدید ترس از گسترش اسلام در جامعه غربی معرفی کرد (Zornick, 2011). «بی نظیر بوتو» نخست‌وزیر فقید پاکستان



اعتقاد داشت، کارهای «هربرت اسپنسر» در بنیاد دیوید هورویتز و دیدبان جهاد، به غلط باعث شکاف بین اسلام و غرب است و با استفاده از اینترنت و دنبال کردن رویکردی تحریف‌گونه، تنفر از اسلام را گسترش می‌دهد و داستان آگاهی‌بخش او صرفاً به پایه‌ریزی جنگ تمدن‌ها کمک می‌کند (Bhutto, 2008).

۳- اتاق‌های فکر غربی، نیروهایی را که به ضدیت با اسلام و مسلمانان شهره هستند برای همکاری دعوت می‌کنند و آنها به ستون‌نویسان و تحلیل‌گران ثابت این مراکز و رسانه‌هایشان تبدیل می‌شوند. در واقع، برخلاف اهداف ذکر شده از سوی این اتاق فکرها، آنها با نیت از پیش تعیین شده در پی ترویج اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی هستند. «آلا بایومی» از کارشناسان حوزه اسلام‌هراسی معتقد است: این افراد شامل گروهی از متخصصانی است که درباره تروریسم، اسلام، مسلمانان امریکا و همچنین روابط امریکا با جهان اسلام مطالعه می‌کنند. این کارشناسان دروغین، ماسک دانش را به چهره می‌زنند و با بهره‌گیری از ابزارهای علمی، پژوهش‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌هایی را که عموماً غیر علمی و پر از اطلاعات اشتباه درباره اسلام و مسلمانان هستند، منتشر می‌کنند (Bayumi, 2012, p 4).

۴- تحریف و سوگیری ضد اسلام و مسلمانان در انتشار کتاب و مقالات و دیگر فعالیت‌های اتاق‌های فکر، جنبه مهمی را تشکیل می‌دهد. چاپ کتاب، یکی از شیوه‌های مرسوم در تکوین و ترویج اسلام‌هراسی از سوی اتاق‌های فکر کشورهای غربی است. نکته مهم در انتشار کتاب یا مقاله درباره تاریخ اسلام، شخصیت پیامبر و قانون شریعت، حجم گسترده از تحریف و دروغی است که در این باره وجود دارد. این اتاق فکرها، قوانین اسلامی را زن‌ستیز، عامل خشونت، بی‌رحم و قرآن را کتابی حاوی پیام‌های تنش‌زا و مشوق کشتار غیرمسلمانان معرفی می‌کنند. این در حالی است که نویسندگان اتاق‌های فکر کشورهای غربی از آیات فراوانی از قرآن کریم که حاوی رحمانیت و بخشش و مداراست، به طور عامدانه چشمپوشی می‌کنند و چهره‌ای تحریف‌گونه از پیامبر رحمت و این کتاب آسمانی ارائه می‌کنند.

موضعگیری‌های ضد اسلامی اسپنسر در دیدبان جهاد و بنیاد دیوید هورویتز، همواره با انتقادات گسترده از سوی کارشناسان حوزه دین مواجه شده است. «کارن آرمسترانگ» نویسنده بریتانیایی کتاب‌های مسیحیت و اسلام و مقایسه ادیان، آثار «رابرت اسپنسر» را نشان‌دهنده نوعی تجاوز و دشمنی به اسلام می‌داند (Armstrong, 2007). «ایوان یابلونکا»، کارشناس فرانسوی تبار تاریخ، نیز با انتشار مقاله‌ای، کتاب «اروپا، محور اروپا-اعراب» و دیدگاه‌های اسپنسر را فاقد مبانی آکادمیک دانست و با انتشار گزارشی در سال



۲۰۰۸ اعلام کرد که اسپنسر به طور گزینشی متن‌هایی را از قرآن استخراج کرده و نتیجه می‌گیرد که اسلام، افراطی و خشونت‌آمیز است (wikipedia, Spenser, n.d). بررسی محتوای چند مقاله و کتاب از بنیاد آزادی دیوید هوریتز و دیدبان جهاد، نشان‌دهنده نگاه سوگیرانه و مملو از تحریف در این اتاق فکرهاست:

«اسلام: دین خرافات»^۱، نوشته رابرت اسپنسر، / «آپارتاید اسلامی»^۲، «رابرت اسپنسر» / «ظلم خشونت‌آمیز ضد زن در اسلام»^۳، «رابرت اسپنسر» و «فیلیس چز لِر»^۴. «راهنمای کامل کافران درباره قرآن»: «رابرت اسپنسر» به زعم خود در این کتاب با رد دیدگاه‌های سیاستمداران، تحلیلگران و نویسندگان می‌کوشد تاریخچه‌های دشمنی و خصومت قرآن نسبت به مسیحیان، یهودیان و دیگر کفار را نشان دهد. «اسپنسر» با تحریف و تفسیرهایی جانبدارانه، قرآن را کتابی معرفی می‌کند که هیچ مدارا و تحملی نسبت به دیگر ادیان در آن رعایت نشده است.

- «افسانه بردباری اسلامی»: این کتاب که با جمع‌آوری مقالاتی از سوی چند نویسنده و به ویراستاری «رابرت اسپنسر» منتشر شده، در پی آن است تا نشان دهد که برخلاف دیدگاه معمول، اسلام دینی تکثرگرا و اهل مدارا نیست.

در همین حال، مرکز انسجام اجتماعی گزارشی با عنوان «جنایت‌های جامعه»، به قلم «جیمز برندن» و «سلام حافظ» در فوریه ۲۰۰۸ به رشته تحریر درآورد. این گزارش به خشونت‌های ناشی از اموری همچون ازدواج اجباری، خشونت‌های خانوادگی، بی‌آبرویی و ختنه زنان به عنوان موضوعاتی دینی پرداخت (دهشیری، ۱۳۹۰، ۱۸۰).

۵- اتاق‌های فکر امریکا و انگلیس با برگزاری نشست‌های متعدد و انتشار کتاب و مقاله، همواره در راستای منافع اسرائیل و ضد فلسطینیان و گروه‌های مقاومت اسلامی موضع می‌گیرند و سعی در جلوه دادن مظلومیت اسرائیل و تروریست بودن فلسطینیان دارند.

حمایت از اسرائیل، از رویکردهای اساسی «بنیاد برای امریکا اقدام کنید» است و یکی از فایل‌های اصلی وبسایت این مرکز با نام حمایت از اسرائیل نامگذاری شده است. در تیتراژ این فایل توضیح داده شده است: «تعهد ما به اسرائیل: ما شانه به شانه اسرائیل ایستاده‌ایم و برای امنیت ملی و دفاع از آن در مقابل دشمنانش مبارزه می‌کنیم، بدون در نظر گرفتن اینکه این دشمنان چه کسانی و کجا هستند. ما باور داریم که اسرائیل

- 1- Islam: Religion of Bigots
- 2- Islamic Apartheid
- 3- The Violent Oppression of Women in Islam
- 4- Phyllis Chesler
- 5- James Brandon
- 6- Salam Hafez



این حق را دارد که یک دولت یهودی در خاورمیانه به پایتختی بیت المقدس به وجود بیاورد» (actforamerica, n.d). «کارولین گلیک» در مقاله‌ای که در روزنامه «جرزالم پست» و وبسایت بنیاد هورویتز منتشر کرده، حزب‌الله لبنان را سازمان تروریستی شیعه نامیده که توسط ایران در سال ۱۹۸۲ پایه‌گذاری شد. وی در بزرگنمایی خطر حزب‌الله ادامه می‌دهد: اگر از برنامه هسته‌ای ایران صرف‌نظر کنیم، حزب‌الله بزرگ‌ترین تهدید برای اسرائیل است (Glick, 2014). در همین چارچوب، بنیاد گیت استون در سه ماهه اول سال ۲۰۱۳، ۲۸ گزارش درباره حمایت از اسرائیل و مخالفت با فلسطین و گروه‌هایی مانند حماس در وبسایت خود منتشر کرده که برخی از آنها به شرح زیر است: فلسطینیان، محدودیت‌هایی را ضد رسانه‌های خارجی اعمال می‌کنند، «خالد ابو توامعه»/ فلسطینیان: امریکا ما از شما متنفریم، لطفاً پول بیشتری به ما بدهید، «خالد ابوتوامعه»/ حماس: ما تروریست نیستیم، ما فقط می‌خواهیم اسرائیل را نابود کنیم، «خالد ابوتوامعه»/ فلسطینیان تروریسم را به سوریه صادر می‌کنند، «خالد ابوتوامعه». کتابچه‌های منتشره در بنیاد آزادی دیوید هورویتز: چرا اسرائیل قربانی است؟، نوشته «دیوید هورویتز»/ فلسطین، دشمن امریکا، نوشته «دیوید مایرلو»/ اوپاما و جنگ ضد یهود، نوشته «دیوید هورویتز»/ حماس: نخبگان ترور، نوشته «استیون پلات»/ پیوندهای نازی‌گونه ملی‌گرایی فلسطینیان و جهاد اسلامی، «دیوید مایرلو». ۶- بسیاری از کارشناسان اتاق‌های فکر کشورهای امریکا و انگلیس، اقدامات گروه‌های افراطی و تروریستی مانند داعش، القاعده و بوکو حرام را نشانگان اسلام حقیقی می‌دانند و می‌کوشند این باور را در میان اذهان شهروندان غربی نهادینه کنند که ذات اسلام با خشونت و ترور پیوند دارد و مفاهیمی مانند اسلام میانه‌رو یا اسلام صلح‌طلب وجود خارجی ندارد. اما حقیقت آن است که بیشتر مسلمانان، گفتمان‌ها و توجیهات آنها را رد می‌کنند. این امر باعث شده تا عده‌ای در غرب، اسلام را با افراط‌گرایی و تروریسم پیوند بزنند. آنها این واقیعت را که تروریسم پدیده‌ای جهانی است و از سوی افراد، گروه‌ها و دولت‌ها و صرف‌نظر از نژاد، مذهب یا فرهنگ استفاده می‌شود، نادیده می‌گیرند. اسلام‌هراسان از داعش استفاده می‌کنند تا اسلام را با تروریسم یکسان فرض کرده و مسلمانان را مظنون قلمداد کنند. این افراد از دولت‌هایشان نیز می‌خواهند تا محدودیت‌های شدیدی را ضد مسلمانان و مهاجران خارجی اعمال کنند (Kalin, 2014). به‌طور کلی، راهبرد اسلام‌هراسی این واقیعت را نادیده می‌گیرد که بیش از غیر مسلمانان،

- 1- Caroline Glick
- 2- Khaled Abu Toameh
- 3- David Mayer Low
- 4- Steven Plaut



مسلمانان بیش از غیرمسلمانان، در شهرهای مختلف کشورهای اسلامی کشته شده و فضای رعب، وحشت و تبعیض ضد آنان در سراسر جهان وجود دارد. این در حالی است که بسیاری از این روشنفکران و کارشناسان اتاق‌های فکر، آشنایی چندانی با تاریخ اسلام و معانی قرآن ندارند، به تفسیرهای غلط از واژه جهاد دست می‌زنند و به مردم و سیاستمداران در غرب هشدار می‌دهند که القاعده، داعش و بوکوحرام با تبعیت از آموزه‌های قرآن در پی استقرار خلافت اسلامی و شریعت در سراسر دنیا هستند و در این راه از دست زدن به هیچ جنایت و خشونت‌ی ابا ندارند.

۷- ایران و پرونده هسته‌ای کشورمان، از محورهایی است که اتاق‌های فکر کشورهای غربی همواره بر آن تمرکز داشته و در این خصوص مقالات و گزارش‌هایی را منتشر می‌کنند. در بسیاری از این تحلیل‌ها، حمایت تهران از گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و حماس یا سوریه به عنوان صدور تروریسم قلمداد شده و به مقامات کشورهای غربی هشدار داده می‌شود که رویکرد ایران، امنیت اسرائیل را به مخاطره می‌افکند. از سویی، تحلیل‌های ارائه شده درباره برنامه هسته‌ای، تکرار مواضع مقامات اسرائیل است و بدون ارائه مستندات کافی ایران به تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای متهم می‌شود. در اغلب این تحلیل‌ها، عنصر بزرگنمایی و برجسته‌سازی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند و هدف آن است که با انتشار مقالاتی، زمینه فشار بر ایران را افزایش دهند. به عنوان مثال، وبسایت مرکز گیت استون در سال ۲۰۱۳، ۱۸ گزارش درباره ایران منتشر کرده که بیشتر آنها به برنامه هسته‌ای اختصاص دارد. در این گزارش و تحلیل‌ها چنین وانمود شده که ایران در پی فریب غرب و دستیابی به سلاح هسته‌ای است. از مقامات امریکایی و دیگر کشورهای غربی خواسته شده که به ایران اعتماد نکنند و توافقنامه موقت ژنو در نوامبر ۲۰۱۳ شکست بزرگی برای صلح بین‌الملل توصیف شده است. از دیگر مقالاتی که در وبسایت‌های اتاق‌های فکر امریکا و انگلیس و با هدف ایران‌هراسی چاپ شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

«آیا ایران در پی تلاش برای شروع جنگ دیگری است؟»، «استفن برین» و «شوشانا برین»، نویسندگان این مقاله که در ۳۱ ژوئن ۲۰۱۳ در وبسایت بنیاد گیت استون منتشر شد، ادعا کرده‌اند که ایران از طریق حزب‌الله لبنان و نظامیان سوریه به دنبال به چالش کشیدن مرزها و بی‌ثباتی در اسرائیل است (Bryen and Bryen, 2013). «ایران با خرید برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی در پی فریب و دسیسه است؟»، «تیلور دینرمان»، این مقاله در ۱۳ فوریه ۲۰۱۳ در وبسایت بنیاد گیت استون منتشر شد

- 1- Stephen Bryen
- 2- Shoshana Bryen
- 3- Taylor Dinerman



و نویسنده معتقد است که متخصصان موشکی ایران با رفتن به کره شمالی در پی گسترش برنامه هسته‌ای خود هستند. دینرمان با اشاره به سفرهای برخی مقامات نظامی ایران به کره شمالی، هشدار داده است که ایران می‌کوشد تا از تجربیات این کشور برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند. این در حالی است که نویسنده مدرکی دال بر همکاری ایران و کره شمالی در زمینه ساخت سلاح هسته‌ای ارائه نکرده و روابط نظامی دو کشور را نشانه‌ای بر وجود تلاش ایران برای بهره‌گیری از تجربیات کره در راستای ساخت بمب اتمی دانسته است (Dinerman, 2013).

«اولی هینونن»^۱، در مقاله‌ای که در «واشننگتن فری بیکن»^۲ چاپ و در وبسایت مرکز هنری جکسون بازنشر شده، تصریح کرده است که ایران با عملیات انتحاری سعی دارد از جهان در قبال برنامه هسته‌ای امتیاز بگیرد (Heinonen, 2014). این در حالی است که نویسنده هیچ منبعی یا مدرکی دال بر استفاده ایران از عملیات انتحاری ارائه نمی‌کند و صرفاً در پی ایران‌هراسی است.

تحلیل‌هایی هم که در بنیاد رند درباره ایران صورت می‌گیرد، همگی در راستای ایران‌هراسی نیست، بلکه عمده آنها با نگاهی واقع‌بینانه به مسائل کشورمان می‌پردازد، اما در لابه‌لای آن، توصیه به مقامات امریکایی برای مقابله با ایران نیز گنجانده می‌شود؛ برای مثال «علیرضا نادر» در مقاله‌ای با عنوان «آرام باشید، ایران در حال تسلط بر خاورمیانه نیست»^۳ ۱۱ فوریه ۲۰۱۵ می‌نویسد: ایران تنها عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه نیست و با عربستان سعودی و ترکیه رقابت می‌کند و این دو کشور نیز در پی بسط نفوذ منطقه‌ای خود هستند و همیشه با منافع امریکا همسو نیستند؛ با وجود این، ایران چالش اصلی را برای امریکا ایجاد می‌کند (Nader, a. 2015).

این بنیاد، سلسله مقالاتی از تحلیلگرانی مانند «لین دیویس»^۴، «دیوید تالر»^۵ و «لاری هانانور»^۶ با عنوان روزهای بعد از توافق با ایران منتشر کرده و مشاوره‌هایی برای مواجهه با تهران مطرح کرده است. در این چارچوب، «لین دیویس» در مقاله‌ای با عنوان «روزهای بعد از توافق: سیاست دفاعی و تهاجمی امریکا»، همه گزینه‌های ممکن برای واشنگتن در راستای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران را بررسی کرده و راهکارهایی برای اطمینان از تضمین صلح‌آمیز بودن این برنامه و لحاظ کردن امنیت متحدان واشنگتن مانند عربستان، اسرائیل و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس ارائه می‌کند (Davis, 2015).

- 1- Olli Heinonen
- 2- The Washington Free Beacon
- 3- Lynn E. Davis
- 4- David E. Thaler
- 5- Larry Hanauer



۸- وجود شبکه ارتباطی گسترده میان اتاق‌های فکر غربی، از دیگر خصیصه‌های این مراکز ضد اسلامی است. بسیاری از نویسندگان و کارشناسان حوزه اسلام‌هراسی توأمان در چند اتاق فکری فعالیت می‌کنند که در زمینه اسلام و مسلمانان رویکردی مشابه را پی می‌گیرند؛ برای مثال «داگلاس مورای» که از همکاران مرکز انسجام اجتماعی بود، اکنون با بنیاد بریتانیایی هنری جکسون همکاری می‌کند و هم از نیروهای فعال بنیاد گیت استون است. به همین منوال «رابرت اسپنسر» مدیر دیدبان جهاد است و با بنیاد آزادی دیوید هورویتز نیز همکاری دارد. «جان بولتون» نیز که مدیر بنیاد گیت استون است، در میزگردهای بنیاد آزادی دیوید هورویتز حضور فعالی دارد. اتاق‌های فکر کشورهای غربی که نقش مهمی در بسط اسلام‌هراسی دارند، از طریق خدمات مشترک به کارشناسان و نیروهای فعال در این حوزه، به جذب افراد بیشتری اقدام کرده و سعی می‌کنند تا این نویسندگان از لحاظ مالی یا شغلی در مضیقه نباشند.

۹- برگزاری میزگرد و کنفرانس، از دیگر اقداماتی است که اتاق‌های فکر امریکا و انگلیس برای گسترش اسلام‌هراسی از آن بهره می‌گیرند. بنیادهای دیوید هورویتز، هنری جکسون و گیت استون درباره موضوعات مهمی مانند ایران هسته‌ای، منازعه اسرائیل و فلسطین و گروه‌های افراط‌گرای اسلامی و ماهیت و تاریخ اسلام، نشست‌هایی را به‌طور متناوب برگزار کرده و تبلیغات گسترده‌ای نیز این زمینه انجام می‌دهند. این بنیادها می‌کوشند از طریق برگزاری نشست و سخنرانی، افکار عمومی را در قبال اسلام و مسلمانان تحریک کنند و اهداف خود را رساتر به گوش افکار عمومی برسانند. نکته مهم اینکه افراد دعوت شده به این کنفرانس‌ها، اغلب از چهره‌های محافظه‌کار، تندرو و ضد اسلامی هستند؛ برای مثال بنیاد گیت استون از «گرت ویلدرز»^۱ سیاستمدار هلندی و ضد اسلامی برای سخنرانی درباره آزادی بیان دعوت می‌کند یا «آیان هیرسی علی»^۲ که دیدگاه‌های به‌شدت ضد اسلامی دارد، برای سخنرانی درباره اسلام و مسلمانان با این اتاق فکرها همکاری می‌کند.

۱۰- ارتباط با برخی سیاستمداران و مقامات کشورهای غربی، از دیگر ویژگی‌های نیروهای فعال در اتاق‌های فکر کشورهای غربی است. برای مثال، بنیاد تبادلات اجتماعی با اعضای حزب محافظه‌کار بریتانیا ارتباط بسیار نزدیکی دارد و کمک‌های دولتی به این اتاق فکر کمک کرد تا خود را تثبیت و فعالیت‌هایش را گسترش دهد. «دیوید هورویتز» رئیس بنیاد آزادی دیوید هورویتز نیز با چند نفر از سناتورهای حزب جمهوری خواه مناسباتی دارد و این سناتورها از دیدگاه‌های او درباره مسلمانان هواداری می‌کنند.

1- Douglas Kear Murray

2- Geert Wilders

3- Ayaan Hirsi Ali



«جان بولتون» نیز که سفیر پیشین امریکا در سازمان ملل متحد در دولت جرج بوش بود، خود اکنون مدیر بنیاد گیت استون است و با «رابرت اسپنسر» و «دیوید هورویتز» روابط نزدیکی دارد. بی‌شک اعضای اتاق فکر کشورهای غربی می‌توانند با مستحکم کردن روابطشان با سیاستمداران و مقامات در روند قانونگذاری و سیاست‌های اتخاذ شده نسبت به کشورهای اسلامی تأثیرگذار باشند. این موضوع، به‌ویژه در حمایت امریکا از اسرائیل و مخالفت با حقوق فلسطینیان و پرونده هسته‌ای ایران، بارز است.

۱۱- بوجه اتاق‌های فکر اسلام‌ستیز از راه کمک‌های دولتی، بنیادهای خیریه و حامیان آنها تأمین می‌شود. اکثر افرادی که به این اتاق‌های فکر کمک می‌کنند، گرایش‌های محافظه‌کارانه دارند، از اسرائیل حمایت بی‌چون و چرما می‌کنند و همواره با نظام جمهوری اسلامی سرستیز دارند؛ برای مثال «جان بولتون» که هم‌اکنون مدیرعامل بنیاد گیت استون است و هزینه اصلی این بنیاد را تأمین می‌کند، از مخالفان سرسخت ایران است و بارها خواهان اقدام نظامی برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای کشورمان شده است؛ علاوه بر این، در وب‌سایت اتاق فکر کشورهای غربی، پروفایل‌هایی برای واریز کمک به این بنیادها از سوی حامیان‌شان تهیه شده است.

جدول شماره ۳: راهبردها، اقدامات و موضوعات مورد توجه اتاق‌های فکر آمریکایی

اتاق فکر	راهبرد های اتخاذ شده	اقدامات انجام شده	موضوع و مقوله ها
بنیاد دیوید هورویتز	نفرت پراکنی ضد مسلمانان، تعمیم اقدامات گروه‌های تروریستی به مسلمانان، حمله ضد پیامبر اسلام، حمایت از اسرائیل، دشمنی با فلسطین و گروه‌های مقاومت، نقد شریعت اسلامی	انتشار کتب و مقاله، راه اندازی کمپین ضد مسلمانان آمریکا، برگزاری نشست، مشاوره به قانونگذاران و سیاستمداران آمریکایی	فلسطین و اسرائیل، پیامبر اسلام، شریعت اسلام، گروه‌های تروریستی
دیدبان جهاد	توجه به نقش الهیات جهاد، تعمیم اقدامات گروه‌های تروریستی به مسلمانان، نقد احکام و شریعت اسلام	انتشار مقاله، کتاب و گزارش	جهاد، شریعت اسلام، گروه‌های بنیادگرای اسلامی، مهاجران مسلمان در غرب
گیت استون	حمایت از اسرائیل دشمنی با ایران و فلسطین نقد شریعت اسلام، هشدار درباره اسلامیزه شدن غرب	انتشار گزارش و مقاله، برگزاری نشست و کنفرانس، مشاوره به سیاستمداران آمریکایی	مناقشه فلسطین و اسرائیل، پرونده هسته‌ای ایران، پرونده هسته‌ای ایران، مهاجران مسلمانان در غرب، گروه‌های بنیادگرای اسلامی، شریعت اسلام



موضوع و مقوله ها	اقدامات انجام شده	راهبرد های اتخاذ شده	اتاق فکر
اسرائیل و فلسطین پیامبر اسلام مسلمانان آمریکا گروه‌های افراطی اسلامی	انتشار مقاله، گزارش و کتاب برگزاری نشست اجرای کارگاه های آموزشی ضد اسلامی مشاوره به سیاستمداران آمریکایی	تعمیم اقدامات گروه های تروریستی به مسلمانان نقد شریعت اسلام حمایت از اسرائیل،	برای آمریکا اقدام کنید
مساجد، منازعه اسرائیل و فلسطین شریعت اسلام	انتشار کتاب، مقاله و گزارش سازماندهی اعتراضات ضد مساجد و برگزاری نشست هایی با حضور نیروهای ضد اسلامی	حمایت از اسرائیل، مخالفت با فلسطین، هجمه ضد مسلمانان و مساجد در آمریکا، تعمیم اقدامات گروه های تروریستی به مسلمانان، هجمه ضد شریعت اسلام	اسلامی شدن آمریکا را متوقف کنید
امنیت ملی تروریسم امور بین الملل سازمان‌های تروریستی ایران جرائم رایانه ای انرژی و محیط زیست، تجارت و حقوق	انتشار مقاله و گزارش برگزاری نشست و کارگاه آموزشی مشاوره به سیاستمداران آمریکایی	نقد سیاست های ایران در منطقه و جهان بزرگنمایی درباره برنامه هسته ای ایران، شریعت اسلام	رند

جدول شماره ۴: راهبردها، اقدامات و موضوعات مورد توجه اتاقهای فکر انگلستان

موضوع و مقوله ها	اقدامات انجام شده	راهبرد های اتخاذ شده	اتاق فکر
مهاجرت چند فرهنگی گروه های افراطی اسلامی شریعت اسلام	انتشار گزارش هایی در راستای اسلام ستیزی ارتباط با نهادهای ضد اسلامی در بریتانیا	مخالفت با حضور مهاجران مسلمان، نقد شریعت اسلام، تعمیم اقدامات گروه های افراطی به مسلمانان	مرکز انسجام اجتماعی
مسلمانان بریتانیا چند فرهنگی گروه‌های افراطی اسلامی	انتشار گزارش و کتاب	مخالفت با حضور مسلمانان در بریتانیا، هشدار درباره تهدید ارزش‌های غربی از جانب مسلمانان، تعمیم اقدامات گروه‌های تروریستی به مسلمانان	مرکز تبادلات سیاسی
منازعه فاسطین و اسرائیل، پرونده هسته ای و سیاست های ایران، گروه های افراطی اسلامی، تحولات خاورمیانه	انتشار مقاله و گزارش جذب نویسندگان ضد اسلامی	دشمنی با فلسطین و گروه های مقاومت، ستیز با ایران و بزرگنمایی درباره پرونده هسته ای این کشور	بنیاد هنری جکسون



۴- تبیین راهبرد اسلام‌هراسی در چارچوب تحلیل گفتمان

نظریه تحلیل گفتمان «لاکلاو» و «موفه» به لحاظ شمولیت چند مؤلفه مانند دال مرکزی، غیریت‌سازی، منطق‌های هم‌ارزی و تفاوت، نقش اساسی عوامل سیاسی و مکانیسم‌های حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی، از منطق پایداری در تبیین راهبرد اسلام‌هراسی اتاق‌های امریکا و انگلیس برخوردار است. بر این اساس، اتاق‌های فکر عمدتاً شخصیت پیامبر گرامی اسلام (ص) و قرآن را مورد هجمه شدید قرار داده‌اند؛ زیرا دریافته‌اند که برای تکوین و ترویج اسلام‌هراسی، باید بر دال مرکزی اسلام تمرکز کرد و از این رو، بیشتر تلاش‌ها در راستای توهین به حضرت محمد (ص) و کتاب آسمانی مسلمانان انجام می‌شود. اتاق‌های فکر می‌دانند که حضرت ختمی مرتبت (ص) و قرآن کریم، کانون و نقطه محوری اسلام هستند و برای ضربه زدن به مسلمانان و جریحه‌دار کردن احساسات آنها، این دو را هدف قرار داده‌اند. این نهادها عامدانه می‌کوشند از طریق سخنرانی، انتشار فیلم، کاریکاتور، مقاله و کتاب، به دال مرکزی مسلمانان حمله کنند و تلاش دارند افکار عمومی و سیاستمداران غربی را متوجه این نکته کنند که کانون‌های هویت‌بخش و دال مرکزی مسلمانان از مشروعیت برخوردار نیستند و اسلام در ذات خود دارای مشکل است.

مکانیسم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی نیز از مؤلفه‌های نظریه گفتمانی «لاکلاو» و «موفه» است که در تحلیل کنش‌های بازیگران جریان اسلام‌هراسی قابل توجه است. بر اساس این مؤلفه، اتاق‌های فکر، هر گونه اقدام خشونت‌آمیز از سوی گروه‌های افراطی مذهبی را به عنوان امری همگانی در جهان اسلام به تصویر می‌کشند و رفتار جمعیت کثیر مسلمانان در شرق و غرب را ناپیده گرفته و به حاشیه می‌رانند. اتاق‌های فکر امریکا و انگلیس از عبادت آرامش‌بخش مسلمانان در مساجد و آیین‌های حج و عاشورا به سادگی می‌گذرند و نکته‌ای در صلح‌آمیز بودن این رفتارها بیان نمی‌کنند، اما اگر چند نیروی افراط‌گرا کارکنان مجله «شارلی هبدو» را به قتل برسانند، به عنوان چهره اسلام و رفتار اسلامی توصیف می‌کنند. صد البته که ترور و کشتن جان هر انسانی از سوی هر فردی محکوم است و مسلمانان نیز وظیفه دارند رفتارهای تروریستی را در هر مکانی تقبیح کنند، اما نکته اینجاست که خود مسلمانان بیش از پیروان هر دین و گروهی قربانی خشونت‌های ستیزه‌جو هستند و گروه‌هایی مانند داعش، القاعده، بوکوحرام، الشباب و ... مورد قبول هیچ مسلمانی نیست و در تضاد با آیین اسلام قرار دارند. اتاق‌های فکر همچنین، آیه‌هایی را که شامل مضامین جهاد است، به عنوان دعوت اسلام به خشونت و ترور قلمداد کرده و آنها را برجسته می‌کنند، اما از آیات فراوانی که پیام‌رسان صلح،



رحمت و برادری هستند چشمپوشی کرده و به حاشیه می‌رانند. در این میان، دیدبان جهاد، بنیاد گیت استون و مرکز تبادلات اسلامی، مسئله جهاد را پروبال داده و آن را برابر با تروریسم و کشتار مردم بی‌گناه توصیف می‌کنند. از سویی رسانه‌ها و کارشناسان منتسب به اتاق‌های فکر، با در پیش گرفتن شیوه‌هایی منطق هم‌ارزی و تفاوت سعی می‌کنند هویت غرب را مستقل و مثبت نشان دهند و هویتی سلبی و منفی برای اسلام و مسلمانان ترسیم کنند. منطق هم‌ارزی و تفاوت، به بازیگران جریان اسلام‌هراسی این امکان را می‌دهد که واگرایی میان اسلام و غرب را تشدید کنند.

در عین حال، همان‌گونه که در نظریه «لاکلاو» و «موفه» تأکید شده، عاملان سیاسی در جبر ساختار محبوس نیستند، بلکه از آزادی عمل کافی برای شکل دادن به ساختار و کنش‌های لازم برخوردارند. اتاق‌های فکر امریکا و انگلیس و کارشناسان آنها، شکل‌دهنده و صورت‌بخش جریان اسلام‌هراسی هستند و نقش پیشرو و عاملیت را در این حوزه ایفا می‌کنند. از سویی، گروه‌های افراطی و تندرو نیز با اقدامات تروریستی -چه در جهان غرب و چه علیه جهان اسلام- به تشدید راهبرد اسلام‌هراسی کمک کرده‌اند و تصویری خشن، نابردار، جزمی و مخالف هرگونه آزادی از اسلام در افکار عمومی غرب نشان داده‌اند.

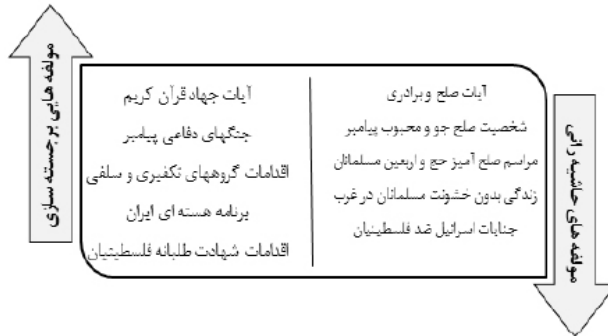


نمودار شماره ۱- دال مرکزی و دالهای شناور اسلام‌هراسی اتاق‌های فکر غربی

به‌طور کلی، در گفتمان اتاق‌های فکر امریکا و انگلیس، هویت اسلام، هویتی عقب‌مانده، خشن و نابردار معرفی شده و این امر به دوگانگی، تقابل و برخورد آن با گفتمان غرب منجر می‌شود و کارکرد این اتاق‌ها در تکوین و ترویج جریان اسلام‌هراسی،



ملازم با نگاه سوگیرانه، تحریف، اسطوره‌سازی‌های دروغین و تشدید گسل‌ها بین اسلام و غرب است.



نمودار شماره ۲- مؤلفه های برجسته سازی و حاشیه رانی اسلام هراسی اتاقهای فکر غربی

۵- نتیجه گیری

اتاق‌های فکری آمریکا و انگلیس در اولین گام می‌کوشند غیریت‌سازی و دگرآفرینی بین اسلام/مسیحیت در غرب را پررنگ کنند. در این چارچوب، هجمه به پیامبر گرامی اسلام و قرآن کریم به عنوان دال مرکزی و محور هویت‌بخش مسلمانان در دستور کار اتاق‌های فکر غربی قرار دارد. آنها حضرت محمد(ص) را با عنوان توهین‌آمیزی خطاب کرده و او را در مقابل حضرت مسیح(ع) و قرآن را نیز در تضاد با انجیل توصیف می‌کنند. در اینجا، حمله به دال مرکزی اسلام با مؤلفه غیریت‌سازی تلفیق شده و دوگانه اسلام/مسیحیت، حضرت محمد(ص)/حضرت مسیح(ع) و قرآن/انجیل در گفتمان بازیگران اسلام‌هراسی صورت‌بندی می‌شود. این بازیگران در گام بعدی، خشونت، ترور و نقض حقوق زنان، عقب‌ماندگی، خرافه‌گرایی، غیرعقلانی بودن و دشمنی با اقلیت‌ها را شاخصه‌های اسلام و صلح، آرامش، قربانی‌ترور، آزادی زنان، پیشرفت و عقلانیت را از ویژگی‌های تمدن غرب می‌دانند. در گفتمان اتاق‌های فکر آمریکا و انگلیس، ما(غرب)/آنها(مسلمانان) جایگاه ویژه‌ای دارد و اعتقاد بر این است که مسلمانان نمی‌توانند در جهان چندفرهنگی غرب به‌طور مسالمت‌آمیز زندگی کنند و باید از ورود آنها به کشورهای غربی جلوگیری شود.

این شکاف‌ها و برجسته شدن مؤلفه غیریت‌سازی در رسانه‌ها و اتاق‌های فکر آمریکا و انگلیس کاملاً مشهود است؛ برای مثال، در کتاب‌هایی که از سوی بنیاد آزادی دیوید هورویتز منتشر شده، این دوانگاری و غیریت‌سازی به کرات وجود دارد: اسلام، دین



خشونت و مسیحیت دین صلح است؛ قانون اسلام، غیرمسلمانان را تهدید می‌کند؛ اسلام عامل نابودی ارزش‌های غرب است؛ غرب تکثرگراست اما اسلام انحصارگرا؛ غرب قانون‌گراست، اما اسلام پایبند به قانون نیست؛ غرب دموکراتیک و اهل تسامح است، اما اسلام نابردبار و مخالف تسامح؛ غرب حامی حقوق زن و اسلام ناقض حقوق زن است؛ اسلام عامل تروریسم و خشونت است و غرب پیشرو در مبارزه با تروریسم؛ گروه‌های فلسطینی و حزب‌الله، منشاء ترور و بی‌ثباتی هستند، اما اسرائیل حافظ صلح و ثبات و فلسطین اشغالگر و ظالم و اسرائیل مظلوم و نیازمند حمایت است. از این نوع غیریت‌سازی‌ها در گفتمان کنشگران جریان اسلام‌هراسی به‌وفور مشاهده می‌شود و در این میان، اتاق‌های فکر امریکا و انگلیس به‌عنوان حلقه محوری شبکه ارتباطی این جریان عمل می‌کنند و تنفر و هراس از مسلمانان را ترویج می‌دهند.

۱-۵- پیشنهادها و راهکارها برای مقابله با راهبرد اسلام‌هراسی

۱- تبری جستن از اقدامات گروه‌های افراط‌گرای اسلامی و تأکید بر این امر که اقدامات آنها مغایر با تعالیم رسول اکرم (ص) و قرآن کریم است، می‌تواند باور غلط افکار عمومی غرب را درباره اسلام و مسلمانان اصلاح کند.

۲- مسلمانانی که در اروپا، امریکا، کانادا و استرالیا و دیگر کشورهای غربی زندگی می‌کنند، می‌توانند در ترسیم سیمای راستین و صلح‌آمیز از اسلام نقش عمده‌ای را ایفا کنند. شورای جامعه مسلمانان و رهبران آنها از این منظر جایگاه ویژه‌ای دارند. طرحی که مسلمانان انگلیس یکشنبه، ۱ فوریه ۲۰۱۵ با عنوان «به مسجد من بیا» در ۲۰ مسجد این کشور برگزار کردند، می‌تواند الگوی عملی در جهت مبارزه با اسلام‌هراسی باشد. در این طرح که به ابتکار شورای مسلمانان انگلیس انجام شد، با گشودن درهای ۲۰ مسجد، از شهروندان انگلیسی خواسته شد به مساجد مسلمانان وارد شوند و با روال کاری و فضای مودت، دوستی، آرامش و به دور از هرگونه افراط‌گرایی در میان مسلمانان آشنا شوند.

۳- شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی مانند پرس‌تی‌وی و العالم می‌توانند با جذب مجریان و کارشناسان زبده و برگزاری میزگردهایی با حضور اسلام‌شناسان شرقی و غربی، سیمای حقیقی اسلام و مسلمانان را به جهانیان معرفی کنند. رسانه‌ها همچنین باید با نقد کتب و مقالات و ویدئوهایی که در وبسایت‌های اتاق‌های فکر غربی منتشر می‌شوند، رویکرد تحریف و بزرگنمایی این بنیادها را به چالش بطلبند و از سیاستمداران و افکار عمومی غرب دعوت کنند که اسلام و مسلمانان را در ترازوی حقیقت بسنجند.



۴- وزارت فرهنگ و ارشاد و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران باید در زمینه مقابله با جریان اسلام‌هراسی نقش فعال‌تری را ایفا کنند. وزارت فرهنگ و ارشاد و صداوسیما می‌توانند با تولید آثار هنری درباره شخصیت حضرت ختمی مرتبت (ص)، تاریخ اسلام و استعمار کشورهای اسلامی هم شناخت بهتری از اسلام و مسلمانان ارائه دهند و هم گوشه‌ای از رنج و مظلومیت آنها را به تصویر بکشند. این دو نهاد فرهنگی می‌توانند با صرف هزینه‌هایی نه‌چندان گزاف، فیلم‌هایی درباره شخصیت و عقاید گرت ویلدرز، هیرسی علی، دیوید هورویتز، رابرت اسپنسر و دیگر بازیگران جریان اسلام‌هراسی تولید کرده و دیدگاه‌های آنها را در مورد اسلام نقد کرده و در شبکه‌های ماهواره‌ای پخش کنند.

۵- وزارت امور خارجه و رایزن‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توانند سهم عمده‌ای در مقابله با جریان اسلام‌هراسی ایفا کنند. سفارتخانه‌های ایران در کشورهای اروپایی و استرالیا باید ارتباط خود با شورای مسلمانان هر کشور و همچنین مراکز فرهنگی و دینی غرب را گسترش داده و روند تعامل ادیان و مذاهب را دنبال کنند. ۶- بسیاری از کارشناسان و اندیشمندان دینی در ایران باید بتوانند به یکی از زبان‌های انگلیسی، عربی، فرانسوی، اسپانیایی یا آلمانی مسلط شوند و در برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی یا رادیویی که از سوی رسانه‌های غربی درباره اسلام و مسلمانان تدارک دیده می‌شود یا در چارچوب مناظره با نیروهای ضداسلامی مشارکت کرده و افکار عمومی و سیاستمداران و اصحاب رسانه در غرب را به کُنه واقعیات در مورد پیامبر و تاریخ و تحولات جهان اسلام آگاه کنند.

منابع مقاله‌ها:

۱. حاذق نیکرو، حمید (۱۳۸۹). «جستارهایی پیرامون اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی غربی‌ها علیه انقلاب اسلامی». فصلنامه‌ی پانزده خرداد، ۲۳، ۹۳-۱۵۲.
۲. درخشه، جلال و حسینی فائق، محمد مهدی (۱۳۹۱). «ابعاد اسلام‌هراسی در بریتانیا پس از یازده سپتامبر». فصلنامه‌ی مطالعات انقلاب اسلامی، ۲۸، ۲۷۵-۲۹۸.
۳. سید امامی، کاووس و حسینی فائق، سید محمد مهدی (۱۳۹۰). «زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمان‌دور بریتانیا». دو فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی دانش سیاسی، ۲(۱۴)، ۹۹-۱۳۲.
۴. شیرغلامی، خلیل (۱۳۹۰). «اسلام و اسلام ستیزی: ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر». فصلنامه‌ی سیاست خارجی، ۲۵(۴)، ۹۹۶-۱۰۲۲.
۵. مرشدی زاده، علی و غفاری هاشجین، علی زاهد (۱۳۸۶). «اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل»، فصلنامه‌ی دانش سیاسی، ۶، ۱۱۳-۱۴۸.

کتاب‌ها:

۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳): پادگفتمان و سیاست، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
۷. ترنز، برایان (۱۳۸۴): رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن، تهران، یادآوران
۸. حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶): اسلام‌شناسی در ایران، قم، انتشارات دانشگاه مفید
۹. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵): روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، مفید
۱۰. دسوقی، محمد (۱۳۷۶): سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران، هزاران
۱۱. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۲): اسلام‌هراسی در غرب: جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان در آمریکا و انگلیس، تهران، مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی.
۱۲. سعید، ادوارد (۱۳۷۹). «اسلام رسانه‌ها». ترجمه ی اکبر افسری، تهران: نشر توس، چاپ اول.
۱۳. سعید، بابی (۱۳۷۹): هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران
۱۴. سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۴): قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نی.
۱۵. صمیمی، مینو (۱۳۸۲). «محمد (ص) در اروپا». ترجمه‌ی عباس مهرپویا. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۱۶. لوییس، برنارد (۱۳۷۴): نخستین مسلمانان در اروپا، ترجمه م.قائد، تهران، مرکز
۱۷. فیلیپس، لوئیز و یورگنسن ماریان (۱۳۸۹): نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی
۱۸. مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰): نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه و نقد آن، فصلنامه معرفت فرهنگی و اجتماعی
۱۹. هابسون، جان (۱۳۸۹): ریشه‌های شرقی تمدن غرب، ترجمه عبدالله فره‌ای، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

پایان نامه

۲۰. صالحی، عباس. (۱۳۸۹). «مطالعه زمینه‌های پیدایش و استمرار اسلام‌هراسی در غرب با تأکید بر مسئله تروریسم». پایان‌نامه ی دکتری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی.



Articles:

21. Iqbal,Z.(2010).‘**Understanding Islamophobia :Conceptualizing and Measuring the Construct**, European Journal of Social Sciences:13(4).

Books:

22. Allen ,C .(2010) .**Islamophobia**, Birmingham, Published by Ashgate.
23. Bayumi, A. (2012).” **The Islamophobia Network in the United States**”, Arab Center for Reaserch& Policy Studies, Doha
24. Bhutto,B.(2008).**Reconciliation :Islam, Democracy ,and the West**, Harper Press.
25. Ernest.C.W.(2013).**Islamophobia in America :The Anatomy of Intolerance** ,Palgrave Macmillan 2013 ;edition ,New York.
26. Esposito.J.L&Kalin.I .(2011).**Islamophobia and the Challenges of Pluralism in the21 st Century**”, Oxford University Press; 1 edition.
27. Green.T.H(2015) .**The Fear of Islam :An Introduction to Islamophobia in the West** ,Fortress Press.
28. Kumar,D ,(2012).**Islamophobia and the Politics of Empire**, Publisher :Haymarket Books.
29. 8-Lean.N&Esposito.J.L,(2012).**The Islamophobia Industry: How the Right Manufactures Fear of Muslims** ,Pluto Press. London.
30. Mills,T &Griffin,T and Miller,D(2011).). **The Cold War on British Muslims**, UK:Public Interest Investigation.
31. Sheei,S&,.Churchil,W” .(2011).**Islamophobia:The Ideological Campaign Against , Muslims**.Atlanta ,“Clarity Press
32. Whitaker,B”.(2002),**Islam and the British press, “in The quest for sanity: reflections on September 11 and its aftermath**, eds. Abdul Wahid Hamid & Jamil Sharif London: Muslim Council of Britain.

Website:

33. Armstrong.K 2007).April,(27 **Balancing the Prophet**, Retrieved from <http://www.ft.com/intl/cms>



34. Bryen,S&Bryen,S(2013).January .(31 **Is Iran Trying to Start Another War ?**Retrieved from <http://www.gatestoneinstitute.org/3568/iran-israel-syria-lebanon>
35. Davis,L,E.(2014 June 10).**The Days after a Deal with Iran: US. Policies of Hedging and Engaging**, Retrieved from <http://www.rand.org/pubs/perspectives/PE125.html>
36. Dinerman,T.(2013,February 13). **Iran to Buy North Korea’s Nuclear Plans on the Cheap?**, Retrieved from <http://www.gatestoneinstitute.org/3587/iran-north-korea-nuclear-plans>
37. European Monitoring Centre on Racism and Xenophobia, “.(2006)**Muslims in the European Union Discrimination and Islamophobia** ,“Retrieved from: [f ra.europa.eu-156/Manifestations_EN.pdf](http://fra.europa.eu-156/Manifestations_EN.pdf).
38. Forum Against Islamophobia&Racism, **Defining Islamophobia**, Retrieved from www.fairuk.org/docs/defining%20islamophobia.pdf
39. Glick,C.(2014June 13). **Hezbollah and Israel’s Lawyers-in-Chief**, Retrieved from http://www.horowitzfreedomcenter.org/hezbollah_and_israel_s_lawyers_in_chief_caroline_glick
40. Heinonen,O.(2014November17).**Cleric:IranWillUseSuicide Operations to send its Message to the World**, Retrieved from <http://henryjacksonsociety.org/2014/11/17/cleric-iran-will-use-suicide-operations-to-send-its-message-to-the-world/>
41. Kalin,I.(2014November15).**ISISand Islamophobia**, Retrieved from <http://www.dailysabah.com/columns/ibrahim-kalin/2014/11/15/isis-and-islamophobia>
42. Miller,D, (2011august 23), **Thinktanks must drop this cold war approach to Islamism**, Retrieved from <http://www.theguardian.com/commentisfree/belief/2011/aug/23/thinktanks-islamism-muslims-islamophobia>
43. Nader,A.(2015, February 11). **Relax,Iran Is Not Taking Over the Middle East**, Retrieved from <http://www.rand.org/blog/2015/02/relax-iran-is-not-taking-over-the-middle-east.html>.
44. Richardson, R.(2009) .**Islamophobia or Anti-Muslim Racism – or What – ?concepts and terms revisited** .Retrieved from www.insted.co.uk/anti-muslim-racism.pdf

45. Zomick, G. (2011 August 29). **Fear, Inc.: America's Islamophobia Network**. Retrieved from <http://www.thenation.com/blog/163023/fear-inc-americas-islamophobia-network>.

